

مقایسه شیوه‌های مستندسازی متن

مهدی رحیمی

چکیده

کتاب‌ها و مقالات علمی به روش‌های استنادی و استدلالی، یا تلفیقی از هر دو روش نگاشته می‌شوند؛ که در روش استنادی شیوه‌های مختلفی به کار گرفته می‌شود. هدف از این نوشتار طرح و بررسی انتقادی شیوه‌های مختلف مستندسازی مطالب متون علمی-تخصصی، و سپس معرفی بهترین شیوه است.

روش‌های استنادسازی مطالب را به دو اعتبار می‌توان تقسیم کرد. در تقسیم اول این شیوه‌ها به چهار قسم ارجاع مستقیم، ارجاع غیرمستقیم، گزارشگری و مستندسازی تقسیم می‌شوند؛ و در تقسیم دوم از حیث اینکه آدرس دهی در خارج یا داخل متن صورت گیرد، مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرند. به نظر مؤلف بهترین شیوه جهت مستندسازی مطالب در یک متن علمی-تخصصی آدرس دهی در داخل متن با روش (مؤلف، عنوان، جلد و صفحه) است.

کلیدواژه‌ها

مستندسازی، روش استنادی، روش استدلالی، روش خلاقیتی، ارجاع مستقیم، ارجاع غیرمستقیم، گزارشگری، آدرس دهی خارج متن، آدرس دهی داخل متن.

درآمد

بهره‌گیری از روش مناسب، یکی از معیارهای تهیه یک نوشته مطلوب و مقبول است. بر اساس روش‌شناسی نگارش که مبحثی مهم در دانش نگارش به شمار می‌رود، برای تهیه و تألیف هر اثر، پدیدآور باید یکی از این روش‌ها یا تلفیقی از آنها را، بسته به نوع اثر، به کار گیرد. این روش‌ها عبارت‌اند از: ۱. روش استنادی؛ ۲. روش استدلالی؛ ۳. روش خلاقیتی.

کتاب‌ها و مقالات علمی یا به روش استنادی نوشته می‌شوند، یا به روش استدلالی و یا تلفیقی از هر دو روش. روش خلاقیتی فقط مخصوص داستان، شعر و مانند آنهاست و در کتاب‌های علمی کاربرد ندارد (محمدی‌فر، نگارش، ۲۷۰) و موجب از دست رفتن اعتبار علمی آنها می‌شود. پیش از پرداختن به بیان اهمیت مستندسازی آثار علمی و شیوه‌های آن، در باب هر یک از این روش‌ها توضیح کوتاه می‌دهیم.

روش‌های نگارش

۱. روش استنادی (citation method)

روش استنادی در نگارش عبارت است از استناد به اطلاعات یک یا چند متن، شخص، گروه و غیره، یا آوردن نقل قول از آنها. این روش یکی از روش‌های اساسی تدوین متن است که در آن نویسنده به جای آوردن دلیل، برای شرح مطلب به یک نقل قول استناد می‌کند که می‌تواند از یک جمله تا چند صفحه یا یک تصویر و به طور کلی هر نوع اطلاعاتی (از جمله صوتی و تصویری) باشد (همان، ۲۷۱).

۲. روش استدلالی (reasoning method)

دومین روش اساسی نگارش، روشی است که در آن، نویسنده متن خود را بر اساس استدلال و استنتاج منطقی به دست می‌آورد و مراحل استدلال و استنتاج را نیز برای خواننده مشخص می‌سازد تا وی بتواند در صورت لزوم به قضاوت پردازد (همان، ۲۸۷).

استدلال نوعی فعالیت ذهنی است که در آن، شخص از یک سری اطلاعات معلوم و مفروض به

اطلاعات تازه‌ای دست می‌یابد، و بدین منظور، مراحل را به طور آگاهانه طی می‌کند. به عبارت دیگر، استدلال، یکی از روش‌های اساسی نگارش است که در آن نویسنده به آوردن دلیل برای شرح مطلب می‌پردازد. این روش در متون فلسفی، منطقی و ریاضی کاربرد فراوان دارد.

۳. روش خلاقیتی

سومین روش اساسی نگارش، روش خلاقیتی یا نگارش خلاق (creative writing) نام دارد. خلاقیت یا آفرینندگی در نگارش، مبحثی است ناظر به ابداع مفاهیم و عبارات‌های بدیع و ارزشمند که پیش‌تر وجود نداشته است. از این روی، نگارش خلاق، یکی از موضوعاتی است که در زیبایی‌شناسی نیز کانون بحث و ارزشیابی قرار می‌گیرد (همان، ۱۳۱۸). این روش در نگارش متون ادبی، اشعار، رمان‌ها و ... کاربرد دارد.

هدف ما در این مقاله تبیین شیوه‌های مختلف استنادسازی متن و بیان ویژگی‌ها، مزیت‌ها و ضعف‌های هر شیوه و در آخر انتخاب بهترین شیوه‌ای است که می‌توان از آن در کتاب‌ها و مقالات علمی بهره برد.

پیشینه استنادسازی متون

استنادسازی و آدرس‌دهی مطالب کتاب‌ها، مقالات و دست‌نوشته‌ها همانند بسیاری از قوانین و دستورات نوشتاری که به آن آیین نگارش گویند در گذر زمان دستخوش تغییرات و تحولات بسیاری شده و به تدریج به سمت اتخاذ شیوه‌های کامل‌تر و کاربردی‌تر سوق یافته است. چنان‌که هم‌اکنون نیز اندیشمندان و صاحبان قلم در پی به کارگیری روش‌هایی هستند که برای خوانندگان مختلف ضعف کمتر و کارایی بیشتر و آسان‌تر داشته باشند.

وقتی به کتاب‌هایی که در گذشته تألیف شده‌اند نظر می‌افکنیم پی می‌بریم مؤلفان آنها نیز از اهمیت استنادسازی مطالب آگاه بوده، و به ویژه درباره مطالب مهم، منبع مورد نظر و مؤلف آن را نام برده و در برخی موارد نیز مشخصات کامل کتاب، باب یا فصل مورد نظر را نیز می‌آورده‌اند. اکثر این استنادسازی‌ها در خلال متن و ذیل مطالب صورت می‌گرفته و به ذیل صفحه یا انتهای فصل یا

کتاب موقوف نمی شده است. البته به علل مختلف از جمله کمبود نسخ کتاب‌ها و کمتر در دسترس بودن منابع یا پی نبردن به اهمیت ذکر آدرس کامل، در بیشتر موارد آدرس‌ها در یکی از قالب‌های ذیل درج می شده است: ۱. نام مؤلف و عنوان کتاب؛ ۲. نام گوینده مطلب بدون ذکر منبع؛ ۳. نام گوینده مطلب با استناد به کتابی غیر از کتاب خود او؛ ۴. نام منبع؛ ۵. کلام شخص بدون ذکر نام منبع و نام گوینده و اهتمام به تعریف از آن یا نقدش، که البته دلیل‌هایی نیز داشته است، از جمله، معروف بودن قائل، بزرگ شمردن او، بی اهمیت دانستن او و یا ناشناخته بودن نزد مؤلف.

با گذشت زمان و آشکار شدن ضعف این گونه استنادسازی‌ها و مشکلاتی که برای مخاطبان پدید می آورد، مؤلفان کتاب‌های بعد به ذکر آدرس کامل و دقیق مطالب بیشتر اهتمام ورزیدند و با بکارگیری روش‌های مختلف آن را در عمل اجرا کردند.

اهمیت و ضرورت استنادسازی

ذکر منابع و استنادسازی مطالب کتاب‌ها و مقالات علمی که به روش استنادسازی نگاشته می شوند یکی از بخش‌های مهم تشکیل دهنده ساختمان کتاب و مقاله و معرف غنای آن است. استناد و ارجاع به کتب و منابع معتبر نظر و اعتماد خوانندگان را به مطالب کتاب‌ها و مقالاتی که از این روش بهره برده اند جلب می کند. مقالات علمی صرفاً تراوشات فکری مؤلف بوده که غیراستدلالی و غیرمستندند، در زمره مطالبی به شمار می روند که به روش خلاقیتی همانند داستان‌ها و شعرها نگاشته شده اند و می توان آنها را خرافات علمی نامید. این آثار در نظر خوانندگان علمی به شمار نمی آیند. تنها آثاری اعتبار علمی دارند که در آنها به منابع معتبر و قابل قبول از نظر خوانندگان و اهل فن استناد شده باشد.

البته همان گونه که ذکر منابع معرف اعتبار علمی و غنای یک نوشته است، ذکر ناقص منابع بهره نگر فتن از روش‌های صحیح برای آدرس دهی که برای استفاده مخاطبان کارایی بیشتر داشته باشد نیز موجب کاسته شدن از اعتبار علمی یک اثر خواهد بود. از همین روی، مؤلف باید با

فراگیری روش‌های صحیح و کامل استنادسازی و اتخاذ بهترین روش بر اتقان هر چه بیشتر اثر خویش بیفزاید.

تعیین درجه اعتبار منابع مورد استفاده، و همین‌طور یک متن مستند، خود مبحث وسیعی است به «نام استنادسنجی» که طرح آن در این مقاله نمی‌گنجد.

روش‌های مختلف استنادسازی

به‌طور کلی در روش‌شناسی استناد، چهار روش وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱. روش ارجاع مستقیم (direct reference)

در این روش مستقیماً به یک منبع معین ارجاع داده می‌شود. بدین ترتیب که یک مفهوم یا نقل قول در متن آورده و سپس پیشنهاد یا توصیه می‌شود که خواننده در صورت تمایل به منبع مشخص شده مراجعه کند. مشخصات منبع ممکن است در پرانتز، پانویس، پی‌نوشت یا در خود متن ارائه شود. یک شیوه در ارجاع مستقیم این است که در متن، به منبع نقل قول با یک شماره یا علامت ستاره یا صلیب و مانند آن اشاره می‌کنند و نشانی کتابشناختی منبع را در پانویس، پی‌نوشت یا پیوست می‌آورند. شیوه دیگر در ارجاع مستقیم، استفاده از عبارتهایی مانند «رجوع کنید به...» است که در آن مشخصات یا نشانی کتابشناختی منبع مورد استناد نیز ارائه می‌شود. مشخصات منبع ممکن است به‌طور خلاصه آورده شود و نشانی کامل آن در کتابنامه متن درج شود. نیز ممکن است مشخصات کتابشناسی کامل منبع در خود متن ارائه شود (محمدی‌فر، نگارش، ۲۷۲).

۲. روش ارجاع غیرمستقیم (nondirect reference)

در این روش استناد و نقل قول به کار می‌رود، اما به جای ارجاع مستقیم به یک منبع، از نشانه‌ای به‌طور غیرمستقیم استفاده می‌شود که اگر خواننده آن را پی‌گیری کند به یک نشانی کتابشناختی کامل دست می‌یابد (همان، ۲۷۳)؛ مثلاً نام مؤلف و تاریخ نشر فقط در جلو مطلب در داخل پرانتز می‌آید، یا روش کدگذاری به کار برده می‌رود. توضیح هر یک از این شیوه‌ها ذیل تبیین روش‌های آدرس‌دهی خواهد آمد.

۳. روش مستندسازی (documentation)

اطلاعات، از منبع یا منابعی استخراج می‌شوند، اما مستقیماً به صورت نقل قول ارائه نمی‌گردند. ممکن است اطلاعات استخراجی همراه با تحلیل، حذف، اضافه یا هر نوع تغییرات دیگر آورده شوند. به هر حال، در این روش نیز از منبع یا منابعی استفاده می‌شود و متن مستند به شمار می‌آید و فهرست منابع در انتهای اثر درج می‌گردد (همان، ۲۷۷). تفاوت این روش با روش‌های پیشین در آن است که مشخص نمی‌شود منابع، دقیقاً در کدام یک از سطرهای اثر به کار رفته و چه نقل قول‌هایی در اثر متعلق به کدام یک از منابع مشخص شده در کتابنامه بوده‌اند. این شیوه بیشتر در کتاب‌ها و مقالات آموزشی که هدف اولی در آنها فراگیری مطالب است به کار می‌رود. محض نمونه در کتاب *شیوه‌نامه ویرایش*، جلد ۳، که جزو منابع این مقاله نیز هست، مؤلف از کتاب *شیوه‌نامه شیکاگو* فراوان استفاده کرده است، اما چون اثر او جنبه آموزشی دارد در هیچ جای کتاب از *شیوه‌نامه* شیکاگو نقل قول معینی نیاورده و نام آن کتاب را به منزله منبع فلان یا فلان مطلب ذکر نکرده، و فقط در کتابنامه نام آن را به منزله یکی از منابع درج کرده است.

۴. روش گزارشگری (reporting)

در این روش نویسنده به گزارشی استناد می‌کند که خود تهیه کرده است. گزارش (report) نوعی مطلب توصیفی حاوی تحلیل یا بیان یک رویداد یا موضوع است که بر اساس مشاهدات مستقیم گزارشگر حاضر در محل وقوع رویداد یا در محل مرتبط با موضوع تدوین شده است. بنابراین مصاحبه با اشخاص نیز نوعی گزارشگری به شمار می‌آید؛ زیرا در آن، مصاحبه‌گر به بیان مشاهدات خود از مصاحبه اقدام می‌کند. به طور کلی، گزارشگری، نوعی مستندنویسی است که در آن نویسنده به مشاهدات مستقیم خود استناد می‌کند (همان، ۲۷۹-۲۸۰). اکثر گزارش‌های مندرج در روزنامه‌ها و نشریات از این نوع‌اند. مثلاً گزارش یک روزنامه‌نگار از مناطق زلزله‌زده، به همراه عکس از خرابی‌ها و مجروحان و عکس خود در کنار آنها که نشان از این دارد که گزارشگر خود شاهد این صحنه‌ها بوده است.

برخی از انواع منابعی که مورد استفاده استنادی نویسنده یک اثر واقع می‌شوند، عبارت‌اند از:

کتاب، مطالب نشریات، نظرسنجی و آمار رسمی منتشر شده، گزارش‌های رسمی دولتی، کتاب الکترونیکی و صفحه وب، و گزارشی که خود نویسنده اثر مستقیماً تهیه کرده است. به هر حال در استناد، نشانی کتابشناختی منبع مورد استفاده باید مشخص باشد؛ حتی اگر مطلب مورد استفاده، گزارشی باشد که خود نویسنده اثر مستقیماً تهیه کرده است.

شیوه‌های آدرس‌دهی مطالب

در استنادسازی مطالب چه به صورت ارجاع مستقیم و چه غیرمستقیم، شیوه‌های متفاوتی در کتاب‌های آیین نگارش پیشنهاد شده، و در نشریات و کتاب‌های مختلف، به فراخور ذوق و سلیقه مؤلفان و ملاک‌های برتر دانستن یک روش بر روش دیگر، آنها را به کار گرفته‌اند. هدف ما در این قسمت تبیین و ارزیابی هر یک از این شیوه‌ها، بیان مزیت‌ها و ضعف‌ها، و در پایان پیشنهاد شیوه‌ای است که کانون توجه قرار گرفته و به نظر می‌رسد کارایی بیشتر و نقص کمتر، به ویژه در زمینه تدوین مقالات علمی-تخصصی، داشته باشد.

روش‌های آدرس‌دهی مطالب را می‌توان در دو گروه عمده دسته‌بندی کرد:

۱. آدرس‌دهی در خارج متن

در این روش مطالب اخذ شده از منابع دیگر بدون ذکر آدرس آنها در کنار مطلب، آورده می‌شود، و با آوردن علامت، عدد و یا هر نشانه دیگری خواننده را متوجه این نکته می‌کنند که اگر در پی منبع مطلب مزبور است باید بارهگیری این نشانه به مقصود خویش در خارج از متن دست یابد. خارج از متن اعم از پایان صفحه و پایان مقاله است. شیوه‌های مختلف آدرس‌دهی در خارج متن در ادامه مباحث مطرح و بررسی خواهد شد.

مزیت‌های این روش

(أ) طولانی نشدن بدون جهت متن

از آنجا که ذکر هر آدرس در متن فضای زیادی را اشغال کرده، متن را بی‌جهت طولانی می‌کند، به ویژه آنکه این روش مستلزم ارائه یک کتابشناسی کامل در پایان مقاله نیز هست، شیوه درج آدرس

در خارج متن مناسب تر است.

ب) عدم ایجاد وقفه در مطالعه

ذکر کردن آدرس ها در متن موجب قطع ارتباط مطالب با یکدیگر و وقفه در مطالعه خوانندگان، و در نتیجه مانع سرعت خواندن خواهد شد؛ به ویژه اینکه در بسیاری موارد سرعت مطالعه برای خوانندگان اهمیت بسیاری دارد.

ج) عدم ایجاد خستگی برای مخاطب و خلل در فهم دقیق مطالب

درنگ های بی در پی که به دلیل ذکر آدرس ها در متن، در مطالعه ایجاد می شود پس از مطالعه چند صفحه خواننده را خسته کرده، از ادامه مطالعه باز می دارد. افزودن بر اینکه این تأمل ها که به جهت مطالعه آدرس ذکر شده صورت می گیرد، موجب پاره شدن رشته مطالب، قطع ارتباط مخاطب با متن و خلل در فهم دقیق آن می شود. محض نمونه دانشجویی که به مطالعه یک مقاله علمی می پردازد، هدف اولی اش مطالعه روان و فهم دقیق مطلب است بدون اینکه توجهی به مستندات مطلب داشته باشد؛ از این روی، وجود آدرس ها در متن مانع از مطالعه روان او، و موجب کندتر شدن فهم مطالب می گردد.

د) ایجاد اعتماد برای خواننده از جهت مستند بودن مطالب

اگرچه در این روش آدرس ها در خارج از متن درج می شوند، اما از شیوه هایی چون شماره گذاری، کدگذاری و ذکر منابع در پایان مقاله، یا به صورت زیرنویس کمک گرفته می شود تا خواننده به مستند بودن مطالب اطمینان کند.

ضعف ها:

گرچه روش استنادسازی مطالب در خارج از متن تمام محاسن یاد شده را در پی دارد، شاید با مقایسه آن با روش استنادسازی مطالب در متن و ذکر مزیت هایش بتوان آن روش را ترجیح داد؛ به ویژه اینکه به نظر می رسد درباره مقالات علمی-تخصصی، ذکر سند مطالب در متن رجحان دارد. از این روی، ابتدا به بیان مزیت های روش دوم می پردازیم که در خلال آن ضعف های شیوه نخست نیز مشخص می گردد، و در آن صورت بهتر می توان داوری کرد.

۲. آدرس‌دهی در متن

در این شیوه، مؤلف به جای ارجاع خواننده برای پی بردن به منبع مطالب ذکر شده در متن به خارج از آن، آدرس مطلب را در کنار متن می‌آورد. محض نمونه، مؤلف پس از تعریف «کلی و جزئی» در منطق آدرس این مطلب را به صورت زیر در کنار آن می‌آورد: «... شأن کلی آن است که بر بیش از یکی حمل شود، و به قرینه مقابله، جزئی آن است که این شأنیت را ندارد» (ارسطو، منطق ارسطو، ۱۰۵/۲). پیش از بیان مزایا و ویژگی‌های این روش، ذکر این نکته لازم است که آدرس‌دهی در متن، شیوه‌ای است متناسب با مقالات و کتاب‌های علمی-تخصصی که به روش استنادی نگاشته می‌شوند و چنین نیست که برای هر نوع کتاب و مقاله‌ای مناسب باشد. شیوه‌های مختلف آدرس‌دهی در متن در ادامه مقاله طرح و بررسی خواهد شد.

مزیت‌های این روش

الف) حفظ امانت و اعتمادسازی

درباره ارجاع مطالب به منابع و ذکر دقیق سند دو نکته مهم بیان شده است: ۱. اصل حفظ امانت اقتضا می‌کند مطالب از هر منبعی که نقل می‌شود مشخصات آن ذکر گردد؛ ۲. به منظور اعتمادسازی برای مخاطبان و افزایش اتقان مطالب علمی، ارجاع به منابع اصلی امری ضرور و اجتناب‌ناپذیر است.

حال با توجه به این دو نکته روشن است که در روش آدرس‌دهی داخل متن اولاً، اصل حفظ امانت در نقل مطالب ظهور بیشتری دارد؛ ثانیاً، اعتمادسازی در این روش به مراتب بیش از دیگر روش‌های آدرس‌دهی خواهد بود.

ب) سرعت در جلب اعتماد

از آنجا که خوانندگان کتاب‌های علمی و مقالات، اعم از نشریات و دائرةالمعارف‌ها، محققان و پژوهشگرانی هستند که با موضوعات آشنایی اولیه‌ای دارند و در جست و جوی اطلاعات دقیق و مستند بیشتری هستند، مشاهده آدرس هر مطلب در کنار آن، ایشان را به مطالعه مقاله یا کتاب شائق‌تر ساخته، اطمینان سریع‌تری را برای آنان فراهم می‌سازد. به عبارت دیگر، اگرچه

آدرس دهی در خارج متن نیز موجب جلب اعتماد این گونه خوانندگان است، همین که در داخل متن آدرس را بی درنگ پس از مطلب مشاهده می کنند، بدون اینکه لازم باشد به پایان مقاله یا ذیل صفحه رجوع کنند، موجب اعتمادسازی در همان لحظه اول می گردد؛ به ویژه اینکه در روش آدرس دهی در خارج متن برخی شماره ها برای توضیح مطالب درج شده و جنبه آدرس دهی ندارد.

ج) رایج بودن این روش

این روش شیوه ای است که در اکثر نشریات آکادمیک دنیا که جنبه علمی-تخصصی دارند به کار می رود و بیشتر نشریات تخصصی و دائرةالمعارف ها در کشور ما نیز به آن روی آورده اند (در ادامه برخی از آنها را نام می بریم).

د) نداشتن مشکلات آدرس دهی خارج متن

نداشتن مشکلات شیوه های متداول آدرس دهی در خارج متن همچون (الف) ایجاد وقفه در مطالعه و قطع ارتباط مخاطب یا متن، به دلیل مراجعه به پایان اثر یا ذیل صفحه، برای اطلاع یافتن از مشخصات منابع؛ (ب) بازنویسی شماره ها در صورت حذف یا اضافه شدن یک منبع؛ (ج) جا به جا شدن منابع با درج اشتباه یک منبع؛ (د) به ذهن سپردن یا مراجعه به پایان اثر برای فهم مقصود از هر کد (در روش کد گذاری).

اشکالات شیوه آدرس دهی در متن و پاسخ به آنها

الف) افزایش حجم مقاله

در پاسخ این اشکال باید گفت اولاً، هر گونه افزایش حجم در مقالات علمی ضعف به شمار نمی آید و در بسیاری موارد نشان قوت است؛ ثانیاً، از آنجا که هر مقاله در حکم یک اثر مستقل است و این استقلال در همه جنبه ها از جمله منبع دهی باید لحاظ شود، ارائه یک کتابشناسی کامل در پایان هر مقاله در کنار آدرس های داخل متن از محسنات آن خواهد بود؛ ثالثاً، در روش آدرس دهی در متن به حداقل مشخصات لازم منبع بسنده، و راهکارهایی اتخاذ می شود که از تکرارهای بی مورد جلوگیری گردد؛ رابعاً، این اشکال در بسیاری موارد متوجه آدرس دهی در خارج متن نیز

می‌شود؛ زیرا در بسیاری مقالات در حالی که بیش از ۱۰ منبع استفاده نشده، حدود ۶۰ تا ۷۰ بار استناد شده و نام منبع در خارج متن تکرار شده است.

ب) ایجاد وقفه در مطالعه و قطع ارتباط مخاطب با متن
ج) ایجاد خستگی برای مخاطب و خلل در فهم دقیق مطالب
در پاسخ به دو اشکال اخیر توجه به چند مطلب ضروری است:

۱. آدرس‌ها معمولاً در جایی از متن درج می‌شود که پایان یک مطلب است، و درج سند در این نقاط نه موجب وقفه چندانی می‌شود و نه در فهم مطالب خللی پدید می‌آورد؛ افزون بر اینکه به تثبیت مطلب و قبول یا رد آن کمک شایانی می‌کند؛

۲. این اشکال درباره کتاب‌ها، نشریات و مقالاتی که برای عموم و همچنین دانشجویانی که در مراحل آغازین فراگیری تخصص‌های گوناگون هستند، صحیح است، اما درباره نشریات و مقالات علمی-تخصصی که خوانندگان ویژه‌ای دارند و هر چه بیشتر نمایان بودن استناد مطالب، آنان را به مطالعه راغب‌تر می‌سازد و اطمینانشان را جلب می‌کند، وارد نیست. از همین روی، به کارگیری این روش در کتب و مقالات آموزشی که هدف آنها مطالعه روان و تمرکز بر فهم دقیق مطلب است، توصیه نمی‌شود؛

۳. این اشکال، به روش آدرس‌دهی در خارج متن - به ویژه مواردی که آدرس‌ها در پایان مقاله درج می‌شود - بیشتر وارد است؛ زیرا خوانندگان مقالات علمی پیوسته در پی سند مطالب‌اند و برای مشاهده آدرس هر مطلب ناچارند به پایان مقاله یا ذیل هر صفحه مراجعه کنند، که این خود وقفه بیشتری در مطالعه ایجاد کرده، موجب قطع ارتباط مخاطب با متن و خلل در فهم دقیق و ضربه زدن به مطالعه روان خواهد شد؛

د) تقلید از روش‌های مقاله‌نویسی در غرب و پشت پا زدن به سنت‌های دیرینه در تدوین کتاب و مقاله در بین اندیشمندان مسلمان

در پاسخ به این اشکال باید گفت اگرچه تقلید کورکورانه امری ناپسند و مذموم است، در صورتی که دیگران روشی را به دلیل برتری محسنات آن بر معایبش برگزیده باشند، به کارگیری آن

روش‌ها مذبذوم نیست. افزون بر این، روش ارجاع مستقیم نیز که در تألیفات اندیشمندان اسلامی در گذشته به کار می‌رفته، دارای همین ویژگی‌هاست. البته در آن روش به جای اینکه آدرس مطالب در داخل پرانتز در جلوی مطلب درج شود، در ابتدا یا انتهای مطلب نقل شده، در ضمن عبارات متن درج می‌شد. نکته دیگر اینکه در روش پیشنهادی، که در پایان مقاله ارائه خواهیم کرد، شیوه‌ما دقیقاً مطابق آنچه دیگران عمل کرده‌اند نخواهد بود و در اتخاذ شیوه‌ای کوشیده‌ایم که کاستی‌های آن به کمترین حد ممکن رسیده باشد.

با توجه به آنچه گذشت مشخص شد که افزون بر اینکه هیچ یک از اشکالات مطرح‌شده درباره روش آدرس‌دهی در متن در مقالات علمی-تخصصی وارد نیست، بلکه روش یادشده موجب جلب اعتماد بیشتر خوانندگان این آثار شده، بر روش‌های معمول و متداول، که آدرس‌ها در خارج از متن درج می‌شوند، برتری دارد.

شیوه‌های آدرس‌دهی در خارج متن

۱. روش شماره و روال

در این شیوه همه مطالب استفاده شده از منابع دیگر به صورت شماره‌گذاری به شکل سریال و پشت سر هم به ترتیب مشخص می‌شود. شماره‌ها در پایان هر مطلب، پس از تمام شدن نقل قول درج شده، مشخصات منابع مورد نظر به ترتیب شماره‌های ثبت شده، در پایان اثر به صورت فهرست منابع، پی‌نوشت، یا در پایین هر صفحه به صورت پانویس و زیرنویس درج می‌گردد. اگر اثر کتاب باشد به دلیل زیاد بودن حجم منابع معمولاً مجموعه آدرس‌های هر فصل به صورت مستقل از فصل‌های دیگر شماره‌گذاری و در پایان همان فصل درج می‌شود (نخعی، راهنمای پایان‌نامه‌نویسی، ۱۷۶). در این شیوه در پایان اثر پس از درج پی‌نوشت‌ها لازم است کتابنامه‌ای مستقل نیز در به ترتیب حروف الفبا بر اساس نام خانوادگی مؤلف یا عنوان کتاب ارائه شود.

معمولاً در هر نوشته، افزون بر فهرست منابع، توضیحات دیگری نیز ضروری است که در این شیوه به دو صورت ذکر می‌شوند. اگر آدرس‌ها در پایان اثر درج شده باشند می‌توان توضیحات

خارج از متن را با درج علامت در کنار اصطلاحات مربوط در پایین صفحه آورد. البته در برخی کتاب‌ها در ضمن شماره‌هایی که برای آدرس‌ها درج می‌شود، شماره‌هایی نیز برای توضیحات دیگر در نظر گرفته، و در پایان فهرست منابع و پی‌نوشت‌ها یک جا آورده می‌شود. در روش آدرس دهی در ذیل هر صفحه نیز می‌توان به هر دو شیوه فوق عمل کرد. محض نمونه، مجله حوزه از نشریات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و مجله معرفت فلسفی از نشریات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، در آدرس دهی مطالب مندرج در مقالات خود از روش شماره و روال استفاده می‌کنند.

این شیوه با وجود اینکه هنوز در برخی مقالات و کتاب‌های علمی به کار می‌رود، افزون بر ضعف‌هایی که برای روش آدرس دهی در خارج از متن برشمردیم دو ضعف عمده دارد:

الف) اگر تعداد منابع نوشته کم باشد، این شیوه بیشتر به کار می‌رود. با افزایش تعداد منابع کارایی آن کمتر می‌شود؛ زیرا حذف یا افزودن یک منبع مستلزم بازنویسی همه شماره‌هاست که کاری بس دشوار است و عدم دقت در مطابقت شماره با منبع مورد نظر موجب اشتباه شدن همه آدرس‌ها خواهد شد. از طرفی اگر بخواهیم کتابنامه کاملی به ترتیب نام مؤلف یا عنوان کتاب داشته باشیم باید فهرست منابع را به گونه دیگری تنظیم کنیم؛

ب) درج منابع در پایان اثر یا انتهای هر فصل کار خواننده را تا حدی مشکل می‌سازد؛ زیرا خواننده در حین مطالعه برای پی بردن به منبع هر اثر یا توضیحات حاشیه‌ای ناچار به مراجعه به پایان اثر خواهد بود، که این امر موجب خلل و وقفه در مطالعه روان و سریع و درک مطلب خواهد بود (طوسی، راهنمای پژوهش، ۱۳۷).

۲. شماره‌های مستقل برای منابع هر صفحه

در این شیوه مطالب استناد شده از منابع دیگر در هر صفحه به صورت مستقل و جدای از صفحات دیگر شماره گذاری، و در پایان همان صفحه به صورت زیرنویس نام منبع درج می‌شود. توضیحات دیگر را نیز می‌توان با استفاده از همین شماره‌ها در پایین صفحه آورد، یا اینکه به طور

جداگانه علامت گذاری یا شماره گذاری کرد و در پایین صفحات به صورت زیر نویس یا در پایان اثر منعکس ساخت.

معمولاً در شیوه آدرس دهی در پایین هر صفحه به دو صورت عمل می کنند:

الف) همه مشخصات کتابشناختی هر منبع برای بار اول در پایین صفحه مورد نظر درج، و در صورت تکرار فقط به درج نام منبع یا مؤلف آن و صفحه یا جلد تغییر یافته بسته می شود؛
ب) در پایین صفحه صرفاً نام کتاب، جلد و صفحه یا نام مؤلف درج و در پایان اثر در کتابنامه ای مشخصات کامل همه منابع مشخص می شود.

۳. استفاده از علائم دیگر غیر از شماره

در این شیوه به جای شماره گذاری، علائم دیگر همچون ستاره برای آدرس دهی به کار می رود و با آوردن علامت مربوط در کنار مطلب، در ذیل همان صفحه آدرس مورد نظر درج می شود. مثلاً به جای شماره ۱، یک ستاره و به جای شماره ۲، دو ستاره گذاشته می شود.

۴. انعکاس منابع مورد استناد هر دو صفحه مقابل هم در پایین صفحه دوم

در این شیوه بیشتر از شماره گذاری استفاده می شود.

مزیت شیوه آدرس دهی به صورت زیر نویس

آدرس دهی در ذیل صفحه به هر یک از روش های یاد شده، به ویژه اگر هر صفحه شماره های مستقل داشته باشد، تا حدودی می تواند ضعف استنادسازی در خارج از متن را جبران کند؛ زیرا اولاً، با محدود بودن شماره ها و منابع در هر صفحه، برای حذف یا افزودن یک منبع، نیاز به بازنویسی همه شماره ها نخواهد بود و تنها شماره های همان صفحه تغییر می یابد؛ ثانیاً، خواننده برای آگاهی از اطلاعات منابع فقط با حرکت چشم به پایین صفحه نظر می کند و به اطلاعات مورد نیاز دست می یابد و این کار موجب وقفه طولانی در مطالعه نخواهد بود.

۵. روش کدگذاری

در این روش همه منابع مورد نظر که در کتاب یا مقاله به کار رفته است به دست مؤلف کدگذاری می شود و به تفصیل مراد از هر کد در آخر مقاله یا کتاب با ذکر همه مشخصات کتابشناختی آن درج

می‌گردد. پس از این مرحله، در هر قسمت از نوشته که از منبعی استفاده شده، کد منبع مورد نظر همراه با شماره صفحه آن در میان پرانتز در متن آورده می‌شود. دکتر میر شمس‌الدین ادیب سلطانی این روش را برای همه کتاب‌ها و آثار پژوهشی توصیه می‌کند (راهنمای آماده ساختن کتاب، ۵۱۰). محض نمونه در مقاله «تاریخچه کتابشناسی‌ها» اگر از پنجاه منبع استفاده کرده‌ایم که نخستین آنها کتاب الفهرست ابن ندیم و آخرین آنها کتاب مرجع‌شناسی نورالله مرادی است، همه این منابع ابتدا براساس نام مؤلف به ترتیب حروف الفبا مرتب و کد شماره ۱ تا ۵۰ برای آنها انتخاب می‌شود. بنابراین اگر از کتاب مرجع‌شناسی مطلب ذیل را نقل کردیم، این گونه آدرس دهی صورت می‌گیرد: «اسامی دیوان‌های شاعران در کتابخانه «قرطبه» بالغ بر ۸۸۰ صحیفه بوده است (۳۶-۵۰)». که عدد ۳۶ شماره صفحه و عدد ۵۰ شماره منبع را نشان می‌دهد، و خواننده با مراجعه به کتابنامه می‌تواند به مشخصات منبع مورد نظر دست یابد.

این شیوه باعث اختصار در آدرس دهی و پرهیز از تکرار نام منبع و مؤلف، و نیز مانع افزایش بدون دلیل حجم کتاب یا مقاله خواهد شد. افزون بر اینکه می‌توان با استفاده از آن، از همان ابتدا یک کتابشناسی نظام‌یافته بر اساس نام منبع یا مؤلف ترتیب داد و منابع را بنابر آن کدگذاری کرد. اما با وجود این به کارگیری روش مزبور برای همه کتاب‌ها و مقالات، به ویژه مقالات پژوهشی که خوانندگان ویژه‌ای دارد و شخص هر لحظه در پی آگاهی یافتن از منابع مطالب است، مفید نیست؛ زیرا خواننده برای فهم مقصود از هر کد یا باید ابتدا تمام کدها را به ذهن بسپارد و یا اینکه در مورد هر کد به آخر منبع مراجعه کند تا به نام منبع مورد نظری برسد. بنابراین روش یاد شده نیز مشکلات آدرس دهی در خارج متن را در پی خواهد داشت و این مشکل در کتاب‌ها و مقالاتی که از منابع فراوان بهره برده‌اند، بیشتر می‌شود.

شیوه‌های آدرس دهی داخل متن

گفتیم در مقالات علمی-پژوهشی مستندسازی درون متن بر استنادسازی در خارج از آن اولویت

دارد. برای آدرس دهی در متن چند شیوه متداول و معمول است، اما این گونه نیست که همه این شیوه‌ها بی نقص بوده، همه مزیت‌ها را داشته باشند. از این رو در این بخش روش‌های متداول را تبیین و سپس ارزیابی می‌کنیم.

۱. استناد مؤلف - تاریخ (author-date citation)

این شیوه، نوعی ارجاع غیر مستقیم است که در آن به یک نقل قول استناد می‌شود، و در متن، هم نقل قول و هم خلاصه‌نشانی کتابشناختی آن، متشکل از نام مؤلف و تاریخ انتشار و شماره صفحه آورده می‌شود. بدین منظور از دو روش بهره می‌گیرند:

(أ) نام مؤلف جزو متن و تاریخ انتشار و شماره صفحه در پرانتز می‌آید.

(ب) هم نام مؤلف و هم تاریخ انتشار و شماره صفحه مستقل از متن و داخل پرانتز می‌آید.

نمونه‌ای از استناد مؤلف - تاریخ به شیوه (أ): «... شهید مطهری (۱۳۵۸/۲۱۹) در این زمینه می‌نویسد: همان طوری که می‌دانیم از اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم هجری، مسلمین با علوم جهان آشنا شدند.

نمونه‌ای از استناد مؤلف - تاریخ به شیوه (ب): «... او مورد اطمینان، و یکی از فقها و متکلمان ما و دارای جلالت بود و عظمت او بالاتر از آن است که بخواهیم او را توصیف کنیم (النجاشی و ۱۴۱۶، ۳۰۷) (محمدی فر، نگارش، ۲۷۴؛ غلامحسین زاده، راهنمای ویرایش، ۸۸).

در این شیوه کتابنامه منابع مورد استفاده در پایان اثر درج می‌شود. این کتابنامه یا باید به صورت الفبایی بر حسب نام خانوادگی مؤلف مرتب شود، که با استانداردهای جهانی و ملی در زمینه تدوین کتابشناسی نیز هماهنگ است، یا باید به صورت اعداد ترتیبی و بر حسب تاریخ انتشار مرتب شود تا خواننده بتواند به آسانی با یک نگاه مشخصات منبع مورد ارجاع متن را بیابد.

از جمله نثریاتی که در کشور ما به این شیوه عمل می‌کند نامه مفید است. این نشریه علمی-پژوهشی که توسط دانشگاه مفید قم منتشر می‌شود، از شماره ۳۶ به بعد خود این شیوه را در مستندسازی مقالات به کار گرفته است، و در راهنمای شرایط تنظیم و ارسال مقالات این روش را

از شرایط پذیرش مقاله شمرده است. البته نخستین شماره‌های این نشریه از شیوه‌آدرس دهی در خارج متن به صورت پی‌نوشت در آخر مقاله، و از شماره ۳ تا ۶ به صورت زیرنویس در هر صفحه با شماره‌های پیاپی و از شماره ۶ تا ۲۵ به صورت شماره‌های مستقل برای هر صفحه، و ذکر منابع در پایین صفحه استفاده کرده است.

مؤلف کتاب شیوه‌نامه ویرایش در جلد سوم آن که ناظر به «نگارش» است می‌گوید: «در کتاب‌ها و نشریات آکادمیک تقریباً فقط روش استناد مؤلف-تاریخ به کار می‌رود» (نگارش، ۲۷۵). در حالی که دست کم در کشور ما این گونه نیست و در بسیاری کتاب‌ها و نشریات دانشگاهی این روش به کار نرفته است.

مزیت‌های این شیوه

(ا) خواننده به مستند بودن متن اطمینان می‌یابد؛

(ب) ذکر نام مؤلف که یا از شخصیت‌های معتبر و صاحب‌نظر در آن علم است و یا از شخصیت‌های غیرمعتبر و غیرمعروف، موجب می‌شود خواننده آشنا با صاحب‌نظران آن علم و نظرات مطرح درباره آن، همان‌جا به پذیرش یا عدم پذیرش مطلب متمایل گردد؛

(ج) ذکر نام مؤلفان معتبر در متن بر اتقان مطالب می‌افزاید؛

(د) با توجه به اینکه شمار کتاب‌ها و عناوین یکسان آنها در هر موضوع رو به افزایش است، خواننده با دیدن نام کتاب ممکن است نفهمد کتاب از کدام نویسنده است و مجبور شود به آخر مقاله رجوع کند؛ اما با دیدن نام مؤلفی همچون «ملاصدرا»، شاید دیگر ضرورتی نبیند که به نام کتاب نیز مراجعه کند. به عبارت دیگر، از آنجا که خوانندگان مقالات علمی معمولاً با مؤلفان صاحب‌نظر در یک علم آشنایی دارند، پی‌بردن به اینکه مطالب مندرج در مقالات به کدام یک از مؤلفان تعلق دارد، برای آنان مهم‌تر است. به ویژه اینکه کتاب‌های همنام در موضوعات مختلف بسیار است و شاید همین یکی از دلایل هایی باشد که کتابشناسان به سمت تألیف کتابشناسی به صورت مؤلف محور روی آورده‌اند؛ زیرا مراجعان پیش از اینکه در پی نام کتاب‌ها باشند به دنبال

آن‌اند که آیا مؤلفان صاحب نظر در هر علم اثری در زمینه پژوهش آنها نگاشته‌اند؛

ه) ذکر آدرس‌ها در متن موجب جلوگیری از تکرار در فهرست منابع می‌شود و می‌توان کتابنامه ترتیب یافته و منظمی را بر اساس نام مؤلف در پایان اثر ارائه کرد؛

و) درج سال نشر از آن جهت ضروری است که هر چه سال نشر جدیدتر باشد، اطمینان بیشتری را برای خواننده فراهم می‌سازد؛ از این جهت که وی درمی‌یابد از جدیدترین نظریات در زمینه آن علم و تازه‌ترین ویرایش کتاب‌ها بهره‌مند خواهد شد.

نقد این روش

ا) همان‌گونه که درج نام مؤلف در متن بر اتقان مطالب می‌افزاید، عدم درج نام منبع نیز نقص به شمار می‌آید؛ زیرا خوانندگان اگرچه با صاحب نظران مطرح در هر علم آشنایی اجمالی دارند، اولاً، این‌گونه نیست که همیشه خوانندگان این‌گونه کتاب‌ها و مقالات چنین افرادی باشند؛ ثانیاً، بسیاری از صاحب نظران در هر علم آثار متعددی دارند که در هر کتاب نظری کامل‌تر در قیاس با کتاب یا مقاله پیشین ارائه داده‌اند، و عدم ذکر نام کتاب در این موارد، که کم هم نیست، موجب قطع ارتباط مخاطب با متن و لزوم مراجعه به کتابنامه اثر می‌شود. خلاصه اینکه در این‌گونه ارجاعات چون خود اثر و نه فقط شخص مؤلف کانون توجه خوانندگان است، لازم است نام اثر یا خلاصه عنوان نیز ذکر شود (غلامحسین زاده، همان، ۸۸).

ب) در بسیاری موارد، به ویژه در دائرةالمعارف‌ها و مقالات پژوهشی، به منابعی استناد می‌شود که نام مؤلفان آنها ناآشنا و غیر معروف است، و به نظر می‌رسد در این موارد ذکر نام کتاب بیشتر از ذکر نام مؤلف موجب اطمینان و جلب نظر مخاطب می‌گردد.

ج) اذهان جامعه علمی در ایران که استفاده کنندگان آثار علمی به زبان فارسی هستند، با نام کتاب‌ها انس بیشتری دارند. از همین روست که در شرق و به ویژه در فرهنگ اسلامی تقریباً همه کتابشناسی‌ها بر اساس عنوان منابع مرتب شده‌اند و این سنت در مشرق زمین رایج بوده است. در این فرهنگ‌ها کتاب شخصیت مستقل داشته، اهل علم هر کتاب را با عنوان آن می‌شناسند و از آن

یاد می‌کنند و نام کتاب برای آنان اهمیت بیشتری دارد (مرادی، مرجع‌شناسی، ۴۲). به همین دلیل عدم ذکر نام کتاب برای خواننده‌ای که پیش از آگاهی از نام مؤلف می‌خواهد با نام کتاب مورد استناد آشنا شود، خود نقص به شمار می‌رود.

د) در مواردی که دو یا چند کتاب از یک مؤلف، یک تاریخ نشر داشته، یا تاریخ نشر نداشته باشند، دیگر نمی‌توان به این شیوه عمل کرد و چاره‌ای جز ذکر نام کتاب نیست. از همین روی، نشریه‌ای چون *نامه مفید* (ش ۳۴، ص ۱۳۱) نیز در این موارد نام منبع و شماره صفحه را ذکر کرده است، بدون اینکه نام مؤلف را بیاورد، و این موجب دوگانگی در روش آدرس‌دهی می‌شود. از این روی، بهتر است شیوه‌ای اتخاذ گردد که در همه جا بتوان به آن پایبند بود.

ه) اگر چه ذکر سال نشر از جهتی که پیش‌تر گذشت اهمیت دارد، به نظر می‌رسد درج آن در بین متن و در کنار نام مؤلف ضرورتی ندارد؛ به خصوص که کمتر خواننده‌ای به آن توجه می‌کند. در مواردی نیز که اطلاع از سال نشر برای خواننده‌ای اهمیت داشته باشد با مراجعه به کتابنامه می‌تواند از آن آگاهی یابد.

۲. استناد عنوان - تاریخ (title-date citation)

این شیوه مشابه استناد مؤلف-تاریخ است؛ با این تفاوت که در آن به جای مؤلف، عنوان منبع آورده می‌شود (محمدی‌فر، همان، ۲۷۴). این امر به دوروش محقق می‌شود: الف) نام کتاب جزو متن، و تاریخ انتشار و صفحه در پرانتز می‌آید. در عبارت ذیل از این روش استفاده شده است: «... چنانچه در *فرهنگنامه ادب فارسی* (۱۳۷۶/۱۱۳۵) در توضیح اصطلاح کتابشناسی این گونه آمده است: کتابشناسی با کتابنامه معادل واژه انگلیسی «Bibliography» به معنای تشریح، تفسیر، توصیف و بررسی کتاب‌ها به کار می‌رود»؛ ب) هم عنوان و هم تاریخ انتشار و صفحه مستقل از متن درون پرانتز درج می‌شود. در همان مثال قبل، پس از درج توضیحات درباره کتابشناسی از فرهنگنامه مزبور در پایان مطلب می‌آوریم: (فرهنگنامه ادب فارسی، ۱۳۷۶، ۱۱۳۵). تنظیم کتابنامه در این شیوه بیشتر بر اساس عنوان صورت می‌گیرد. البته می‌توان کتابنامه‌ای را نیز بر اساس ترتیب سال

نشر تنظیم کرد اما این شیوه کمتر به کار می‌رود.

به کارگیری این شیوه اگر چه محسنات آدرس دهی در متن را دارد و اشکالات شیوه استناد مؤلف- تاریخ (به دلیل ذکر نکردن عنوان) بر آن وارد نیست، از جهت اینکه نام مؤلف را ذکر نکرده، خواننده را از مزیت‌های یاد شده در روش ذکر نام مؤلف محروم می‌سازد. از سوی دیگر، بر اساس این شیوه دیگر نمی‌توان کتابنامه‌ای را بر اساس نام مؤلف تنظیم کرد، در حالی که ترتیب استناد‌دهای جهانی تنظیم کتابشناسی بر اساس نام مؤلف است. افزون بر اینکه همان اشکالی که به شیوه قبلی، از جهت ذکر سال نشر وارد است، در این شیوه نیز برجاست.

۳. استناد مؤلف - جلد - صفحه

در این شیوه ارجاع به منابع با درج نام خانوادگی مؤلف و ذکر شماره جلد و صفحه کتاب صورت می‌گیرد. در مواردی که از آثار متعدد یک نویسنده استفاده می‌شود، پس از نام مؤلف نام اثر نیز درج می‌شود. محض نمونه، پس از ذکر مطلبی از کتاب *اصول فلسفه و روش رئالیسم* شهید مطهری می‌آوریم: (مطهری، ۲، ۵۱)؛ و در صورتی که در همین مقاله از کتاب دیگر ایشان *اسلام و مقتضیات زمان* نیز مطلب نقل کنیم، در آدرس دهی، پس از «مطهری» نام کتاب مورد نظر را نیز می‌آوریم. کتابنامه پایان اثر در این روش بر اساس نام مؤلف تنظیم می‌شود. شیوه آدرس دهی در *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی و دانشنامه جهان اسلام* نیز بر همین اساس است، که جزئیات آن در شیوه‌نامه آنها منعکس شده است (*دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ۱۳/۱؛ سمعی، *شیوه‌نامه جهان اسلام*، ۲۱).

این روش اگر چه ممکن است برای مقالات کوتاه *دائرةالمعارف* ها که کتابنامه آنها در همان صفحه، یا صفحه مقابل منعکس شده، مطلوب باشد، به نظر می‌رسد در همه جا مطلوب نیست، و همه اشکالاتی را که بر روش استناد مؤلف- تاریخ به دلیل درج نکردن عنوان وارد بود، در اینجا نیز مطرح است.

۴. استناد عنوان - جلد - صفحه

در این شیوه پس از ذکر مطلب مورد نظر، نام منبع استفاده شده و شماره جلد و صفحه آن در داخل پرانتز درج می‌شود، و در پایان، کتابنامه‌ای بر اساس عنوان منابع تنظیم می‌شود. این روش

آدرس دهی در مثال ذیل به کار رفته است: «علوم اوایل یا علوم قدماء و یا علوم قدیمه یا علوم عقلیه، نام‌هایی است که مسلمانان بر علوم عقلی نهادند (تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، ۱۳۹۱)». روش کار در *دائرة المعارف امام حسین* و *دائرة المعارف تشیع* به این صورت است. (زرفا، شیوه‌نامه *دائرة المعارف امام حسین*، ۷۱؛ طرح تدوین *دائرة المعارف تشیع*، ۴۶)

اگرچه درج نام منبع در این شیوه مزیت به شمار می‌رود، عدم ذکر نام مؤلف خود نقص تلقی می‌شود و اشکالاتی که بر روش استناد عنوان-تاریخ به دلیل عدم درج نام مؤلف وارد است، در اینجا نیز مطرح می‌شود. البته در مقالات کوتاه دانشنامه‌ها که کتابنامه در همان صفحه یا صفحه مقابل منعکس می‌شود، شیوه مطلوبی خواهد بود؛ گرچه نمی‌توان کتابنامه‌ای بر اساس نام مؤلف تنظیم کرد.

۵. شیوه پیشنهادی: استناد مؤلف - عنوان - جلد - صفحه

در این شیوه که یکی از انواع استنادسازی در درون متن است، بدین صورت عمل می‌شود: پس از مطلب مورد نظر، ابتدا نام خانوادگی مؤلف، سپس عنوان کتاب، و در آخر شماره جلد و صفحه منبع در داخل پرانتز درج می‌شود. محض نمونه، در مثالی که برای شیوه پیشنهادی ارائه شد، آدرس این گونه درج می‌شود: (صفا، *تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی*، ۱۳۹۱/۱). در مواردی که نام خانوادگی مؤلف یا عنوان جزو متن آمده است، درج آنها در پرانتز لازم نیست و به درج بقیه اطلاعات بسنده می‌شود. در باره مقالات نیز تنها نام مؤلف و عنوان مقاله و صفحه درج می‌شود و نام مجموعه یا نشریه‌ای که مقاله در آن چاپ شده، صرفاً در کتابنامه ارائه خواهد شد. در این نوع آدرس دهی از علامت‌های اختصاری «ج» و «ص» استفاده نمی‌شود، بلکه شماره مجلد به تنهایی پس از ویرگول، و شماره صفحه به تنهایی پس از ممیز آمده، بین نام کتاب و پدیدآورنده نیز ویرگول درج می‌شود. نام منبع با حروف خمیده (ایرانیک) و با فونت حروف متن مقاله درج می‌گردد. در صورت طولانی بودن نام مؤلف یا منبع، این نام‌ها به صورت مختصر و مشهور و حتی الامکان در یکی دو کلمه درج می‌شود. برای مثال: (خوارزمی، *مقتل الحسین*، ۲۵/۲).

در باره مؤلفان قدیمی که نام‌هایی طولانی دارند، می‌توان با مراجعه به کتاب مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان، مشهورترین و مختصرترین قسمت از نام را برگزید. در اختصار نام کتاب‌ها باید به گونه‌ای عمل کرد که به شناخت محتوای کتاب و تعیین هویت آن‌زینانی نرسد.

اگر بخواهیم برای یک مطلب به چند منبع استناد کنیم، همان ترتیب پیشین را در نظر می‌گیریم و هر منبع را پس از نشانه «؛» می‌آوریم و برای هر منبع پراگماتیسم جداگانه لازم نیست. در صورت استفاده پیاپی از یک منبع، به شرط آنکه منبع دیگر افزوده نشده باشد، دیگر با استفاده از کلمه «همان» و شماره صفحه، آدرس درج می‌شود و در صورت افزوده شدن منبعی دیگر، نام مؤلف یا کتاب تکرار شده، پس از آن کلمه «همان» و شماره صفحه می‌آید.

در مواردی نیز که مطلب به صورت نقل قول مستقیم ذکر نشده و اقتباس صورت گرفته است، پیش از ذکر نام مؤلف و منبع، از علامت اختصاری (ق.) یا (ر.ک.) استفاده می‌شود که نشان دهنده این موضوع باشد. در ارجاع به دائرةالمعارف‌ها و فرهنگ‌ها فقط درج نام کتاب و شماره جلد و مدخل کافی است؛ مگر اینکه منبع مزبور چند بخش داشته باشد، که هر بخش به طور مستقیم به صورت الفبایی تنظیم شده باشد؛ مانند: (فرهنگ معین، ج ۲، ب، ۲، واژه «قدس سره»). البته اگر در دائرةالمعارف‌ها نویسنده مدخل یا مقاله معلوم باشد، مشخصات نویسنده و مدخل به شیوه مقاله‌های مندرج در مجموعه‌ها - بدون درج شماره صفحه - ثبت می‌شود؛ مانند: (آذرنوش، «این»، دائرةالمعارف اسلامی، ج ۲).

ارجاع به کتاب‌های مقدس همچون قرآن کریم تابع قواعد مربوط به این کتاب‌هاست. مثلاً در باره قرآن کریم، درج شماره یا نام سوره و شماره آیه کافی است؛ مانند: (زمر، ۹). در صورتی که اثر بیش از یک مؤلف داشته باشد، تنها نام نخستین نفر، به ترتیبی که در صفحه عنوان آمده است، درج می‌شود و نام دیگر مؤلفان در کتابنامه خواهد آمد.

تمام قواعد این روش آدرس‌دهی در باره منابع فارسی و عربی، در باره منابع لاتین نیز صادق خواهد بود؛ با این تفاوت که در منابع لاتین حرف اول نام مؤلف نیز باید درج شود. در مواردی نیز

که منبعی تکرار شده یا اقتباس از منبعی صورت گرفته است، از علائم و حروف اختصاری رایج در زبان لاتین استفاده می‌شود؛ مثلاً (Cf) به جای (ر.ک.)، (P) به جای صفحه، (Ch) به جای فصل، (id) به جای همان مؤلف و (ibid) به جای همان منبع و... کاربرد دارد. در باره برخی کلمات در صورتی که نحوه کاربرد اختصاری آنها در زبان لاتین رایج است، می‌توان از آن استفاده کرد، که در این صورت فضای کمتری را در متن اشغال می‌کند؛ مثلاً به جای «Dictionary» (= فرهنگ لغت)، «Dict»، و به جای «Encyclopedia» (= دائرةالمعارف)، «Encyc» به کار می‌رود (غلامحسین زاده، همان، ۶۸-۶۹).

با توجه به آنچه گذشت، مشخص شد که آدرس دهی داخل متن با این روش، فضای زیادی اشغال نکرده، موجب افزایش بیش از حد متن نمی‌شود.

پس از اعمال این شیوه در متن، در پایان اثر کتابنامه‌ای بر اساس نام مؤلف ارائه می‌شود که در بردارنده همه مشخصات کتابشناسی منابع باشد، و خواننده می‌تواند برای کسب اطلاعات بیشتر درباره منابع به آن مراجعه کند. افزون بر اینکه مؤلف می‌تواند کتابنامه پایانی خود را بر اساس نام کتاب نیز سامان دهد.

ویژگی این شیوه:

با توجه به مزایایی که برای شیوه آدرس دهی در متن بیان شد، نتیجه می‌گیریم که اعمال این روش به ویژه در مقالات علمی-تخصصی اولویت دارد. حال در مرحله گزینش و اتخاذ یک شیوه از میان شیوه‌های مختلف استنادسازی درون متن باید روشی را برگزید که کمترین اشکالات و بیشترین محاسن را داشته باشد. با در نظر گرفتن اشکالاتی که درباره تک تک شیوه‌های آدرس دهی درون متن مطرح شد، نتیجه می‌گیریم که هیچ کدام از آن روش‌ها کارآیی لازم را در این گونه مقالات ندارند و باید روش دیگری برگزید. به نظر می‌رسد شیوه استنادسازی «مؤلف - عنوان» بهترین و کارآمدترین روش‌هاست.

در این شیوه، هم نام مؤلف و هم عنوان مطرح است و از این روی، ایرادهایی که به روش

استناد «مؤلف-تاریخ» و «مؤلف-جلد-صفحه» به دلیل درج نکردن نام منبع، یا به روش «عنوان-تاریخ» و «عنوان-جلد-صفحه» به دلیل عدم درج نام مؤلف وارد بود، وارد نمی‌شود. افزون بر اینکه شیوه مزبور، همه محسنات ذکر نام مؤلف و عنوان را نیز داراست. از طرف دیگر، تاریخ نشر نیز که ذکر آن ضرورت چندانی نداشت و خواننده در صورت نیاز می‌توانست برای اطلاع از آن به پایان نوشته مراجعه کند، درج نمی‌شود.

از جمله نشریات علمی-پژوهشی که این شیوه را به کار می‌برد و در شماره‌های اخیر خود آن را جزو شرایط تنظیم مقالات برای مؤلفان دانسته، «نامه پژوهش» از انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. این فصلنامه، پیش‌تر به همت مرکز پژوهش‌های بنیادی معاونت پژوهشی این وزارتخانه تهیه می‌شد، ولی اکنون مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات، که به همین وزارتخانه تعلق دارد، آن را تهیه و منتشر می‌کند. در شماره ششم نشریه مزبور (پاییز سال ۷۶) آدرس دهی در متن به صورت روش استناد (مؤلف-تاریخ-صفحه) بوده است، در حالی که در راهنمای تنظیم مقالات شماره ۲۰-۲۱، که در بهار و تابستان سال ۱۳۸۰ منتشر شده، این‌گونه آمده است:

«به جای ذکر مراجع در پاورقی، مراجع را در داخل قلابک در پایان نقل یا موضوع استفاده شده به شکل زیر قرار دهید. برای منابع فارسی = (نام خانوادگی مؤلف، نام اثر به طور اختصار، شماره صفحه)».

البته برخی دایرةالمعارف‌ها، همچون دایرةالمعارف تشیع نیز در باره کتاب‌های مهجور یا کتب دارای عنوان عام و یا مواردی که در آنها امکان اشتباه و التباس بوده همین روش را پیشنهاد و نام مؤلف را نیز درج کرده‌اند؛ با این تفاوت که نام مؤلف پس از نام کتاب درج می‌شود (محقق، طرح تدوین دایرةالمعارف تشیع، ۴۶).

اشکال بر این روش و پاسخ آن

با تمام محاسن و ویژگی‌هایی که برای این شیوه برشمردیم، اشکالی نیز بر آن وارد است. از آنجا که

فاصله افتادن میان عبارات متن موجب خلل در فهم مطلب، قطع ارتباط مخاطب با متن، کند شدن سرعت مطالعه و افزایش بیش از حد و بدون دلیل اثر خواهد شد، تا ضرورت ایجاب نکند نباید به آن تن داد؛ بنابراین چنین شیوه‌ای برای آدرس‌دهی مطلوب نخواهد بود.

در پاسخ باید گفت اگرچه این اشکال بر این شیوه وارد است، وقتی در مقام مقایسه و ارزیابی روش‌های مختلف برآیم خواهیم دید که به راحتی می‌توان از آن چشم پوشید.

اولاً، این اشکال بر اصل روش آدرس‌دهی در متن نیز وارد بود که گفتیم به جهت مزایای بسیار این روش بر شیوه استنادسازی در خارج متن، طرح آن جایی ندارد. حال وقتی آدرس‌دهی درون متن امری پسندیده است باید به گونه‌ای باشد که بیشترین فایده از آن حاصل آید. به عبارت دیگر، اگر در آدرس‌دهی شیوه‌ای اتخاذ شود که بیشترین اطلاعات را در باره منابع در کمترین وقت به خواننده بدهد، به طوری که به سرعت از منبع اطلاع کافی به دست آورد و اطمینان علمی اثر بیشتر گردد، طرح چنین اشکالاتی بجا نخواهد بود؛

ثانیاً، آدرس‌ها معمولاً در جایی درج می‌شوند که مطلب تمام شده، و خواننده اثر علمی که به مطالعه آثار مستند علاقه مند است، خود در پی منبع اثر است و ذکر آدرس در این موارد هیچ خللی در فهم مطلب یا مطالعه روان و سریع آن ایجاد نمی‌کند. افزون بر اینکه وقتی خواننده نام مؤلف را می‌بیند، ذهن او نخست در پی نام اثر بر می‌آید، و این از دیدگاه روانشناختی امری ثابت است و همه کسانی که با کتاب و کتابداری آشنایند آن را تصدیق می‌کنند؛

ثالثاً، اگرچه این شیوه موجب افزایش متن است، شیوه استناد «تاریخ - صفحه» نیز همین قدر در متن فضا اشغال می‌کند؛ لکن در این روش به جای تاریخ نشر، نام منبع به صورت مختصر درج می‌شود. افزون بر این، همان‌گونه که پیش‌تر گذشت، استفاده از علائم اختصاری در موارد لازم و نوشتن نام مشهور مؤلفان، خود موجب اختصار خواهد شد. همچنین در مقام مقایسه تاریخ نشر با عنوان اثر، از نظر مقدار اطلاعاتی که هر یک به خواننده می‌دهد و مزایایی که هر یک دارد، ذکر عنوان رجحان دارد؛

رابعاً، افزایش یافتن متن یا اضافه کردن نکته‌ای در میان آن، در صورتی که بر اتقان اثر - به ویژه اثری که جنبه علمی دارد - بیفزاید، نه تنها عیب به شمار نمی‌آید، بلکه یکی از محسنات ضروری متن‌های علمی به شمار می‌رود.

حال با توجه به نکات ذکر شده، به این نتیجه می‌رسیم که روش آدرس‌دهی در متن با شیوه استنادی (مؤلف - عنوان - صفحه) بهترین و مناسب‌ترین شیوه در نگارش متن‌های علمی - تخصصی خواهد بود. البته هیچ کدام از روش‌های آدرس‌دهی بدون اشکال نیستند که باید در مقام مقایسه و ارزیابی یک روش را برگزید.

جایگاه ذکر ارجاعات توضیحی

چنان‌که در کتاب‌های نگارش و ویرایش آمده، پاورقی‌ها معمولاً بر دو نوع اند:

۱. پاورقی توضیحی (Content Footnote)؛

۲. پاورقی ارجاعی (Reference Footnote) (غلامحسین زاده، همان، ۸۷؛ یاحقی، راهنمای نگارش...، ۹۱).

پاورقی‌های توضیحی، یادداشت‌هایی هستند که مشتمل بر مطالبی افزون بر متن‌اند. این یادداشت‌ها برای روشن کردن مطلبی مجمل یا اطلاع بیشتر در باره مطالب متن و یا به منظور ارائه یک عبارت طولانی لاتین یا عربی درج می‌شوند. در برخی موارد این پاورقی‌ها ارجاع به منابعی افزون‌تر از آنچه را مؤلف از آنها بهره گرفته است، بر عهده دارند. در هر حال توصیه می‌شود در روش آدرس‌دهی داخل متن این گونه از یادداشت‌ها به صورت زیرنویس در همان صفحه ذکر گردد و از انتقال آنها به پایان اثر خودداری شود. به نظر می‌رسد اعمال این شیوه برای خوانندگان مطلوب‌تر خواهد بود.

همچنین معادل لاتین همه نام‌ها و اصطلاحات، به جای اینکه در پاورقی درج شود، در داخل متن و جلوی همان کلمه می‌آید.

شیوه تنظیم کتابنامه:

تنظیم کتابنامه یا فهرست منابع برای آثاری که از شیوه استنادسازی درون متن بهره گرفته‌اند، امری ضروری است. در این شیوه‌ها به دلیل ذکر نشدن کامل مشخصات منابع در درون متن لازم است در جایی از اثر به معرفی منابع پرداخته شود. افزون بر اینکه یکی از معیارهای ارزیابی آثار علمی، داشتن کتابنامه‌ای مطابق با استانداردهای تدوین کتابشناسی، با ارائه همه ویژگی‌های کتابشناختی منابع و آثار به کار گرفته شده در اثر است.

بهترین شیوه تنظیم کتابنامه که با استانداردهای جهانی تنظیم کتابشناسی نیز مطابقت دارد، تنظیم کتاب‌ها بر اساس نام مؤلفان آنها به ترتیب حروف الفباست. البته تنها اگر در متن نام مؤلف آمده باشد می‌توان به این صورت عمل کرد و در غیر این صورت، منابع می‌باید بر اساس عنوان یا مشخصات دیگر چون تاریخ نشر مرتب شوند.

چینش و تنظیم اطلاعات کتابشناختی آثار به این صورت باید انجام شود:

کتاب‌ها

نام خانوادگی و نام پدیدآورنده؛ عنوان اصلی اثر؛ عنوان فرعی (گاهی اول جزء فرعی عنوان می‌آید و بعد اصلی)؛ تعداد جلد، نام و نام خانوادگی کمک پدیدآورندگان همراه با ذکر نقش آنها. (گردآورنده‌ها، ترجمه، ویرایش، کوشش، تفتیح، تصحیح، حاشیه، مقدمه...); عنوان سلسله انتشار و شماره آن؛ محل انتشار؛ نام ناشر، نوبت چاپ، تاریخ انتشار، شماره جلد‌های مورد استفاده (در صورت لزوم).

مثال: جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ معرفت‌شناسی در قرآن؛ ۱۳ جلد،

تنظیم و ویرایش: حمید پارسانیا؛ قم: مرکز نشر اسراء، چاپ دوم، ۱۳۷۹.

مقالات نشریات

نام خانوادگی و نام پدیدآورنده؛ «عنوان مقاله»؛ نام و نام خانوادگی مترجم؛ نام نشریه؛ دوره یا سال انتشار، شماره پیاپی نشریه، (تاریخ در داخل پرانتز)، شماره صفحه آغاز و پایان مقاله.

مثال: لگنهاوسن، محمد؛ «خدا و دین در اندیشه هگل»؛ منصور نصیری؛ معرفت فلسفی، سال اول، ش ۴، (تابستان ۱۳۸۳)، ص ۱۱۳-۱۳۲.

مقالات مجموعه‌ها

نام خانوادگی و نام پدیدآورنده؛ «نام مقاله»، نام کمک پدیدآورنده؛ نام مجموعه؛ نام افراد دخیل در تهیه مجموعه، تعداد جلد؛ محل نشر؛ نام ناشر، تاریخ انتشار، شماره صفحه آغاز و پایان مقاله.
مثال: مجتهدزاده، سیدعلیرضا؛ «نزاری و حافظ»، مجموعه خطابه‌های نخستین کنگره تحقیقات ایرانی؛ به کوشش غلامرضا ستوده؛ ۳ ج، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۴، ج ۳، ص ۲۷۸-۲۸۳.

منابع غیر چاپی

الف) نسخ خطی

نام خانوادگی و نام پدیدآورنده، عنوان اثر؛ اشاره به خطی بودن، شهر محل نگهداری؛ نام کتابخانه، تاریخ کتابت، شماره مسلسل.

مثال: ابوالفتح رازی، جمال‌الدین حسین، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*؛ نسخه خطی، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، تاریخ کتابت: ۸۱۲ ه.ق.، شماره ۱۳۴.

ب) پایان‌نامه تحصیلی

نام خانوادگی و نام پدیدآورنده؛ عنوان اثر؛ ذکر مقطع مربوطه، نام شهر: دانشگاه، دانشکده، صفحات، استاد راهنما و مشاور، تاریخ دفاع.

مثال: صباغیان، علی؛ *تأثیر قرآن بر اشعار حافظ*، مقطع کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد - واحد مرکز تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۴۹ ص، استاد راهنما: سید محمد باقر حجتی، استاد مشاور: عبدالرضا مظاهری، ۱۳۷۸.

نکته

باید توجه داشت که در کتابنامه‌ها در برخی موارد عنوان اثر باید سرشناسه قرار گیرد، و در داخل

متن نیز فقط عنوان اثر ارائه شود و درج نام مؤلف ضرورتی ندارد. از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: دائرةالمعارف‌ها، فرهنگ‌ها و کتابشناسی‌های بزرگ که به صورت جمعی نگاشته شده‌اند، کتاب‌های مقدس و کتاب‌هایی که مؤلف آنها ناشناخته است.

ذکر مشخصات کتابشناختی آثار لاتین در کتابنامه به دو صورت امکان‌پذیر است: اول اینکه آثار مزبور کتابنامه‌ای مستقل داشته باشند؛ دوم آنکه همه آثار لاتین، فارسی و عربی در یک کتابنامه آورده شوند، به این ترتیب که اگر منابع غیر لاتین بیشتر است ابتدا آنها می‌آیند و سپس آثار لاتین به ترتیب حروف الفبای انگلیسی درج می‌شوند. (بدیهی است در صورتی که آثار لاتین بیشتر باشند ابتدا آورده می‌شوند).

آیین‌نامه تدوین کتابنامه و کتابشناسی، قواعد بسیاری دارد که بیان و شرح آن در این مقاله نمی‌گنجد (ر.ک: غلامحسین زاده، همان، ۷۳-۸۶؛ ژرفا، همان، ۷۳-۷۴؛ ماندانا صدیق بهزادی، دستنامه قواعد فهرست‌نویسی؛ ادیب‌سلطانی، همان، ۵۵۷).

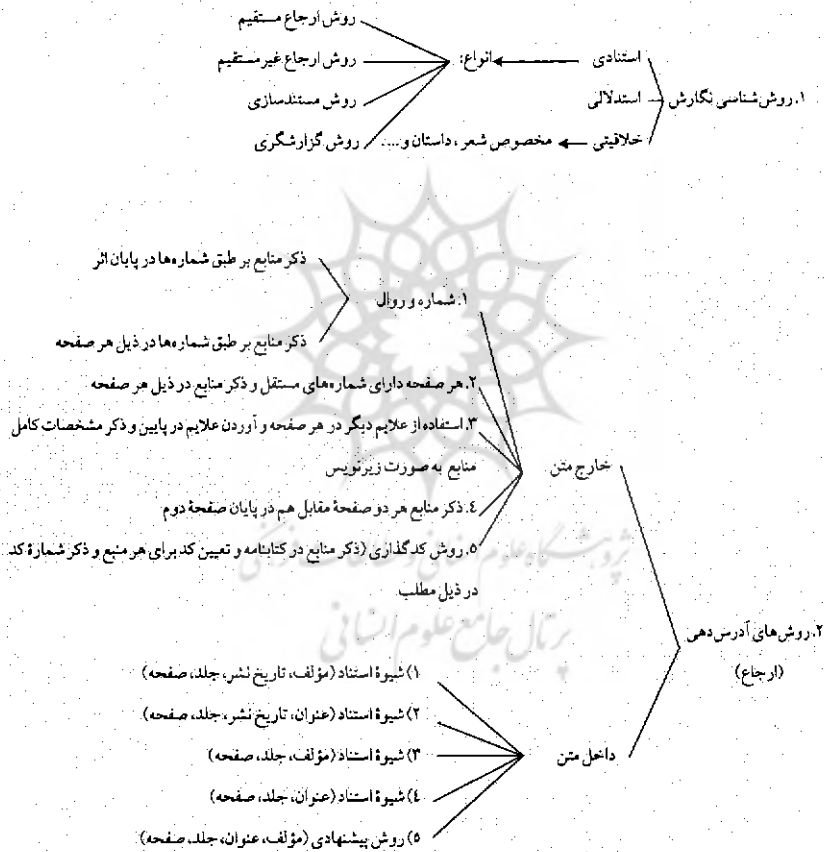
نتیجه

با توجه به آنچه گذشت مشخص شد در آن رشته‌هایی از آثار علمی-تخصصی که به روش استنادی نگاشته می‌شوند بهترین روش ارجاع به منابع و ذکر اسناد، آدرس‌دهی در داخل متن است. از میان شیوه‌های مختلف آدرس‌دهی در داخل متن نیز بهترین شیوه که بیشترین کارایی را دارد و با سلیقه خوانندگان این نوع آثار متناسب‌تر و در عین حال از کمترین نقص برخوردار است، شیوه استنادی «مؤلف، عنوان، جلد، صفحه» خواهد بود.

نمودار:

در پایان این نوشتار، چکیده‌ای از انواع و اقسام شیوه‌های مستندسازی و آدرس‌دهی، که به تفصیل درباره آن بحث شد، در قالب یک نمودار ارائه می‌گردد:

نمودار شیوه‌های مستندسازی متن



منابع

۱. ادیب سلطانی، میرشمس‌الدین، *راهنمای آماده ساختن کتاب*، ویرایش ۳، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۸۱ش.
۲. حسینی (زرفا)، سیدابوالقاسم، *شیوه‌نامه دائرةالمعارف امام حسین*، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۷۶ش.
۳. سمیعی (گیلانی)، احمد، *شیوه‌نامه دانش‌نامه جهان اسلام*، تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۲ش.
۴. طوسی، بهرام، *راهنمای پژوهش و اصول علمی مقاله‌نویسی*، مشهد: نشر تابان، چاپ چهارم، ۱۳۸۰ش.
۵. غلامحسین زاده، غلامحسین، *راهنمای ویرایش*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ دوم، ۱۳۸۰ش.
۶. محقق، مهدی، *طرح تدوین دایرةالمعارف تشیع*، تهران: دائرةالمعارف تشیع، ۱۳۶۲ش.
۷. محمدی فر، محمدرضا، *شیوه‌نامه ویرایش*، دوره ۷ جلدی، جلد سوم، (نگارش)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۱ش.
۸. _____، *آشنایی با مدرک‌شناسی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰ش.
۹. مرادی، نورالله، *مرجع‌شناسی*، شناخت خدمات و کتاب‌های مرجع، تهران: نشر فرهنگ معاصر، ۱۳۷۲ش.
۱۰. مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ش.
۱۱. مؤسسه پژوهشی فرهنگ، «هنر و ارتباطات»، *نامه پژوهش*، ش ۲۰-۲۱، بهار و تابستان ۱۳۸۰ش.
۱۲. نخعی، رضا، *راهنمای پایان‌نامه‌نویسی*، تهران: انتشارات هگمتان، ۱۳۷۷ش.
۱۳. یاحقی، محمدجعفر و ناصح، محمد مهدی، *راهنمای نگارش و ویرایش*، ویرایش ۲، مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به نشر، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۷ش.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی